

خداشه به امنیت با گسترش بدحجابی

اداره بر آورد اجتماعی و افکار سنجی معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ طی یک گزارش اجتماعی – تحلیلی به بررسی وضعیت عفاف و حجاب و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی شهر تهران با شیوه گردآوری داده‌ها به صورت توصیفی، تحلیلی، روش اسنادی پرداخته است، در این مطالعه موردی می‌خوانیم: حجاب از اصول مهم در تحقق امنیت روانی و سلامت اجتماعی است که برای نهادینه کردن آن در جامعه باید فرهنگ‌سازی شود، برنامه‌ریزی درست و ترویج عفاف و حجاب و رعایت آن توسط عموم مردم می‌تواند ضامن سلامت و امنیت اجتماعی در جامعه باشد. حجاب سبب گسترش امنیت روانی و ایجاد زمینه برای رشد معنوی زنان و مردان می‌شود. ترویج عفاف و حجاب نه تنها باعث ایجاد امنیت اجتماعی فراگیر می‌شود بلکه راهکار مناسبی برای مبارزه با تهاجم فرهنگی است. شناخت تأثیر حجاب و نقش آن در کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌تواند مسیر حرکت جامعه را به سوی ترقی و تعامل هموار سازد. از علل اهمیت موضوع رعایت عفاف و حجاب در جامعه، امنیت زنان، حفظ خانواده، پرهیز از روابط نادرست، تکریم زن، ایجاد فرزند حلال و از هم نپاشیدن کانون خانواده است، گرایش به عفاف و حجاب، گرايشی فطری در میان زنان و مردان است و میزان و شکل آن رابطه مستقیمی با اخلاق، فرهنگ و ساختار اجتماعی جوامع دارد. بر این اساس می‌توان گفت که بدپوششی جزو مباحث روز دنیا در فرآیند جهانی شدن و مدرنیته است و یکی از پیچیده‌تر ین آسیب‌های اجتماعی مطرح در جامعه امروز محسوب می‌شود.

حجاب و عفاف موضوعی ملی است و همه دستگاه‌ها و نهادهای دولتی باید در راستای چارچوب وظایف و مأموریت‌های خود در این زمینه عمل کنند، حجاب و عفاف یک دستور دینی است که از مسائل مهم و کلیدی جامعه اسلامی ایران نیز به شمار می‌آید و با بسیاری از مسائل دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی مرتب تبط است. حجاب در دین اسلام سهل‌انگاری مضر یا سخت‌گیری بی‌مورد نبوده و آنگونه که غرب تبلیغ می‌کند به معنای حبس زن یا پرده نشینی و دوری از شرکت در مسائل اجتماعی نیست، بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه موی سر و اندام را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی لباس و پوشش برای زن و مرد را با تعدیل و نظم مناسبی به جامعه بشری ارزانی داشته است. از انحرافات یا افراط و تفریط‌هایی که پیرامون پوشش زنان وجود داشته‌است، اجتناب کرده و در تشریح قانون حجاب و مزی مناسب یا غریز انسانی را در نظر گرفته است. پوشش و حجاب به مثابه رسانه‌ای ارتباطی و به عنوان کنششی اجتماعی، از یک سو تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است و از سوی دیگر، متأثر از کنشگران اجتماعی اعم از زن و مرد است. بدجانبی علاوه بر اینکه خود یک ناهنجاری اجتماعی به شمار می‌آید و جامعه را به بی‌بند و باری می‌کشاند، زمینه‌ساز بسیاری از زشتی‌های اخلاقی است، وقتی به پوشش و متانت بی‌اعتنایی می‌شود، مسائل اخلاقی دیگر هم از جامعه رخت بر می‌بندد؛ یکی از مراکز مهم فرهنگی که نقش قابل توجهی در گسترش حجاب دارد صدا و سیما و رسانه‌ها هستند، زیرا تمام فیلم‌ها و برنامه‌های آن نقش الگودهی بسیاری مهمی برای مردم دارد. باید در رسانه‌های گروهی و جرایم مخصوصا صدا و اثار شوم بدحجابی با شیوه‌های هنری تبیین شود و در تمامی برنامه‌های صدا و سیما سعی شود از چادر استفاده شود و از زنان محجبه تجلیل به عمل آید.

آسیب اجتماعی به نوعی عمل فردی یا جمعی گفته می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد جمعی به صورت رسمی یا غیررسمی مورد رعایت قرار نگیرد و در نتیجه با منع قانونی یا قبح اخلاقی جامعه روبه‌رو می‌شود. حجاب‌اسلامی در چارچوب اخلاق دینی قرار می‌گیرد، عدم رعایت آن نوعی آسیب اجتماعی ساده تلقی می‌شود، حال این آسیب خود دارای مراتب دسته‌بندی‌های خاصی است. بدجبابی آثار متعددی در جامعه می‌گذارد که از جمله می‌توان به نفوذ فرهنگ بیگانه، گسترش فساد تباهی در جامعه، تضعیف اعتقادات ارزشی دینی، اختلال در سلامت روانی جامعه و مواجه شدن نهاد خانواده با بحران اخلاقی اجتماعی را نام برد. خانواده، نظام آموزشی و نهادهای فرهنگی اجتماعی رسانه‌ها و دولتمردان در ترویج فرهنگ عفاف و حجاب و تحکیم آن نقش غیر قابل انکاری دارند که مستلزم هماهنگی دستگاههای فرهنگی جامعه است، بدحجابی به پوشش نامناسب پیامدها و آثار جریان ناپذیری در فرهنگ، اخلاق و امنیت جامعه دارد و سلامت فرد و جامعه را تهدید می‌کند، مراعات آن باعث حفظ نهاد خانواده، آرامش روانی، حفظ هویت فرهنگی جامعه دارد. طلاق و تهدید خانواده، هوس مداری و تخریب خانواده، چشم‌چرانی و مقایسه با همسر، دوستی‌های نامشروع، فریب ظواهر را ارسته، جامعه‌پذیری ضعیف یا ناهمگون، کم‌رنگی تعلق به فرهنگ خودی و تعلق بیشتر به دیگر فرهنگ‌ها، ضعف اعتقادی، بحران‌های هویتی، تلقی محدودیت آفرین از حجاب، تغییر هنجارهای جامعه، بی‌توجهی یا کم‌توجهی به پیامدهای منفی بدحجابی و بی‌حجابی، غریب‌گرایی و الگوسازی از فرهنگ غرب، مدگرایی و تنوع‌طلبی نسل‌های جوان جامعه و ضعف کنترل اجتماعی از جمله پیامدهای ناگوار بدحجابی در جامعه است.

مبارزه با نفس، حجاب و سلامت زنان در جامعه، ارزش و احترام زن، حجاب و نقش آن در سلامت اجتماع و ایجاد آرامش روانی در افراد جامعه، از جمله آثار و فواید رعایت عفاف و حجاب است. در نتیجه می‌توان گفت، امروزه بدحجابی و جذایت کاذب آن برای تعدادی از افراد همواره تهدیدی برای سلامت و امنیت جامعه است که در اثر بی‌توجهی می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌ها و جرائم اجتماعی مختلف دیگری باشد، اکنون کم‌رنگ شدن حجاب در جامعه به صورت علنی پدیدار شده و متعاقب آن، گسترش مجرانی همچون مزاحمت، ارتباط نامشروع، تجاوز به عنف، خیانت زناشویی، رواج بی‌عفتی در جامعه و اختلافات خانوادگی مشهود و ملموس است که این موضوع خوشایند و شایسته جامعه ما نیست.

*رئیس اداره بر آورد اجتماعی معاونت اجتماعی فاتب

قتل در جشن تولد

در گیری در مراسم جشن تولد در شهرستان میناب منجر به قتل شد.

سرهنگ محمد رستمی، فرمانده انتظامی میناب گفت: مأموران پلیس بعد از اطلاع از وقوع حادثه در محل حاضر و متوجه شدند که درگیری شرکت‌کنندگان در مراسم جشن تولد به قتل یکی از آنها منجر شده‌است. وی افزود: مأموران پلیس همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، متهم را شناسایی و بازداشت کردند. وی اعتراف کرد که به‌خاطر اختلاف قبلی با مقتول در گیر شده و این حادثه خونین را رقم زده‌است.

قتل همسر مقابل چشمان پسر نوجوان



پسر بچه ۱۲ساله که شاهد بود پدرش چگونه با پند کیف زنانه مادرش را به قتل رسانده، ماجرا را شرح داد.

به گزارش خبرنگار ما، اختلاف‌های زناشویی و دشواری‌بودن زمینه‌های لازم برای خالصی از زندگی‌های پر تنش سبب شده‌است تا بسیاری از این اختلاف‌های خانوادگی به شکل گیری پرونده‌های همسر کشی منجر شود. در این پرونده‌های یکی از زوجین به قتل می‌رسد، دیگری با مجازات قصاص مواجه می‌شود و فرزندانش آنها هم به سرنوشتی میهم گرفتار می‌شوند. در پرونده‌ای که روز گذشته در غرب تهران به جریان افتاد، یکی از این اختلاف‌های خانوادگی حادثه‌ای خونین را رقم زد. ساعت ۷:۰۳ صبح بود که مردی میانسال با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و به مأموران خبر داد، همسرش را به قتل رسانده است. لحظاتی بعد تیمی از مأموران کلانتری ۱۳۹ مردزداران به سرپرستی سرهنگ علی آقا طیبی، رئیس کلانتری در محل حادثه که خانه‌ای در میدان آرش بود، حاضر شدند. جسد متعلق به زنی ۴۲ساله بود که اوایل کسبی بود که سبوی تیم گردن به کام مرگ رفته بود. مأموران پلیس در اولین گام شوهر ۴۶ساله‌اش را که خودش را به عنوان قاتل معرفی کرده بود بازداشت و باز پرس ویژه قتل، کاراگاهان اداره دهم پلیس آگاهی را از این ماجرا باخبر کردند.

حادثه از زبان کودک ۱۲ساله

پسر ۱۲ساله خانواده که شاهد بخشی از حادثه خونین بود، اولین کسی بود که از سبوی تیم جنایی‌ی مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت: پدر و مادرم از مدت‌ها قبل با هم اختلاف داشتند. آنها شب گذشته هم مطابق معمول با هم مشاجره کردند، به طوری که من شب را با حال ضرب و خوابیدم و پدرم برای خواب به اتاق من رفت. وی ادامه داد: ساعت ۶:۳۰صبح بود که با صدای مشاجره آنها از خواب بیدار شدم. وقتی خودم را به راهرو رساندم پدرم را در حال ضرب و جرح با مادرم دیدم، او مدام با مشت به صورت مادرم ضربه می‌زد، وقتی خودم را به آنها رساندم، تلافی کردم مانع از کتک خوردن مادرم شوم، مادر حریف پدرم نبود، او من را با ضربه‌ای به گوشه‌ای

پرتاب کرد و بعد دست انداخت بند کیف مادرم را گرفت و آن را به دور گردن مادرم انداخت و شروع به کشیدن کرد. دوباره به طرفش دویدم و سعی کردم مادرم را از دست او نجات دهم، اما فایده‌ای نداشت، زورم را نمی‌رسید، پدر دستم را کشید و من را داخل اتاق حبس کرد و به سراغ مادرم رفت. داخل اتاق به دنبال چیزی بودم تا در را بشکنم و برای نجات مادرم تلاش کنم، دسته لوله جاروبرقی را پیدا کردم و مدام ضربه زدم تا شاید کسی با سروصدایی که راه انداخته بودم برای کمک بیاید. ۲۰دقیقه تلاش کردم تا توانستم در را بشکنم، اما وقتی خودم را به راهرو رساندم همه چیز تمام شده بود. مادرم مرده بود و پدر در آشپزخانه لیوان آب را سر می‌کشید. به طرف گوشه‌ی تلفن دویدم تا پلیس را باخبر کنم، امید داشتم هنوز مادرم زنده باشد. پدرم به سمت من دوید و گوشه‌ی را گرفت و به سستی پرتاب کرد که شکست. او کمی در خانه قدم زد و بعد با تلفن همراهش اورژانس و پلیس را باخبر کرد. امدادگران وقتی رسیدند و مادرم را معاینه کردند، گفتند که او مرده‌است.

اعتراف به حادثه هولناک

در شاخه دیگری از تحقیقات شوهر ۴۶ساله مقتول مورد تحقیق قرار گرفت. او در اولین بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و در شرح ماجرا گفت: من آتش‌نشان هستم. سال ۷۹از طریق یکی از همکارانم در آتش‌نشانی با خواهرش آشنا شدم و سپس با او ازدواج کردم و صاحب پسری ۱۲ساله شدم. همسرم کارمند بانک بود و حقوق خوبی می‌گرفت. او همیشه سر من منت می‌گذاشت و پولش را به سر من می‌زد. پس از سال‌ها خانهای خریدیم و به نام همسرم زدم. پس از این اختلافات ما بیشتر شد، او مدام به من بی‌محلی می‌کرد و رفتارش با مادرم سبب شده بود تا مادرم دق کند.

قصد طلاق داشتیم

متهم ادامه داد: همسرم یک بار من را از خانه بیرون کرد که با میانی‌گری‌های بستگان دوباره به خانه‌ام برگشتم. بعد از بالاگرفتن اختلاف‌هایم با چندبازی از او شکایت کردم و در نهایت تصمیم به جدایی گرفتم. در دادگاه درخواست طلاق دادم، اما دادگاه اول ما پیش مشاور فرستاد و مشاور هم ما را آشتی داد و باز دوباره به زندگی پر تنش

و پر اختلاف برگشتم. همسرم مدام پسرم را علیه من تحریک می‌کرد و اجازه نمی‌داد من در تربیت او نقش داشته باشم.

خبراره روز حادثه

متهم گفت: در آمد خانه‌ام ۵میلیون تومان بود، از چند سال قبل با تجاری‌که داشتم، توانسته بودم ۶۰۰میلیون تومان پس‌انداز کنم و سال برابم دلار تهیه کند و هفته گذشته از او خواستم قبل ۶۰۰میلیون تومان را به همسرم دادم که پول را دلار را به من پس بدهد که بنای ناسازگاری گذاشت و مرا دوباره تحقیر کرد. متهم در توضیح قتل گفت: صبح که از خواب بیدار شدم دوباره ماجرای پول را مطرح کردم و خواستم پولم را پس بدهد که توجه نکرد و دعوی‌امان بالا گرفت. من با مشت چندضربه به صورتش زدم. می‌خواستم رهايش کنم، اما در همان حال فریاد می‌زد که حسابت را می‌رسم من هم کنترلم را از دست دادم و باندکیف او اخفه کردم. سرهنگ علی آقا طیبی رئیس کلانتری ۱۳۹ مردزداران گفت: تحقیقات از متهم در اداره دهم پلیس آگاهی تهران در جریان است.

انکار قتل شوهر نابینا

زن جوانی که به اتهام قتل شوهر نابینا و پولدارش در بازداشت به سر می‌مرد، در جلسه محاکمه جرمش را انکار کرد.

به گزارش خبرنگار ما، اوایل سال ۹۶ مأموران کلانتری ۱۰۲ پاسداران از مرگ مشکوک مرد سالخورده‌ای به نام احمد در یکی از بیمارستان‌های شهر باخبر و راهی محل شدند. دختر مقتول که در محل حاضر بود، به مأموران گفت: «چند سال قبل مادرم فوت کرد. پدرم در انگلستان شرکت و وضع مالی خوبی داشت. او نابینا بود، به همین خاطر با زنی جوان به نام پوران ازدواج کرد و قرار بود او را به انگلستان ببرد، اما با هم اختلاف داشتند، به همین خاطر پدرم از تصمیمش منصرف شد و همین بهانه‌ای شد که آن زن پدرم را اذیت کندو شکجه دهد. آخرین بار وقتی با پدرم درگیر شد او را از بلندی به پایین پرتاب کرد. بلافاصله پدرم را به بیمارستان رساندیم، اما بر اثر ضربه مغزی فوت کرد. از آن زن شکایت دارم و او قاتل پدرم است.»



با انتقال جسد به پزشکی قانونی، پوران ۴۵ساله بازداشت شد، اما قتل را انکار کرد و گفت: زمان حادثه در محل دیگری بوده‌است. با انکارهای متهم در روند تحقیقات مشخص شد، وی حدود ۲۲و ۱۲بار مرکز مشاوره قوهقضائیه تماس گرفته و درباره اینکه پارک کسی از بلندی به پایین پرتاب شود، متهم به قتل است یا نه سؤالاتی را مطرح کرده بود. سرانجام با توجه به شواهد و قرائن موجود پوران به اتهام قتل عمد روانه زندان شد و پرونده به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. صبح دیروز متهم از زندان اعزام و مقابل هیئت قضایی به ریاست قاضی قربان‌زاده قرار گرفت. ابتدای جلسه یکی از اتهامات درخواست قصاص کردند و سپس متهم با انکار جرمش در جایگاه قرار گرفت و گفت: «هن و شوهرم اختلافی نداشتیم، فقط گاهی به خاطر مشروب خوردن هایش با هم جر و بحث می‌کردیم. آن روز برای خرید از خانه بیرون رفته بودم و وقتی برگشتم، دیدم از پله‌ها افتاده‌است. او نابینا و بیمار بود، به احتمال زیاد خودش از پله‌ها افتاده‌است. باور کنید من قاتل نیستم.»

متهم در ادامه در خصوص تماس‌هایش با مرکز مشاوره قوهقضائیه نیز گفت: «شوهرم ملکی را به من صلح کرده بود، به همین دلیل با مرکز مشاوره قوه تماس می‌گرفتم تا در این مورد سؤال کنم، اما وقتی این حادثه پیش آمد از روی کنجکاوی در این مورد هم سؤال کردم.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

۴کشته در تصادف پراید و پژو

تصادف خودروهای پژو و پراید در شهرستان آبادان چهار کشته

بر جای گذاشت.

این حادثه ساعت ۱۰ صبح روز گذشته در بلوار اصلی شهر مقابل آزادمریان دستگیر و پس از تشکیل پرونده به مراجع قضایی معرفی شدند. آدمر بابیان در بازجویی‌های اولیه علت آدمر بابی را اختلاف مالی و تسویه حساب شخصی عنوان کردند، اما در بررسی‌ها معلوم شد که گرانگینار دارای سابقه متعدد کیفری بودند که با هویت جعلی اقدام به اعمال مجرمانه می‌کردند.

پرونده «نجفی»

از لحاظ دادسرای نقض است

سرپرست دادسرای امور جنایی تهران اعلام کرد، پرونده قتل میترا استاد از لحاظ دادسرا فاقد نقص است و تمام ایرادات سه و کیسل متهم رد شده است. قاضی محمد شهریارى در پاسخ به ادعای مطرح شده از سوی برخی افراد در رابطه با وجود نقص در مرحله تحقیقات پرونده قتل میترا استاد توضیح داد: طبق قانون اگر پرونده نقابسی داشته باشد، دادگاه می‌تواند رأس آن را برطرف یا به دادسرا اعاده کند. در جلسه مقدماتی که در دادگاه کیفری یک تشکیل شد، تمامی ایرادات سه و کیسل متهم رد و دادگاه وارد جلسه رسیدگی شد. قاضی شهریارى گفت: اگر دادگاه تحقیقاتی را در این زمینه لازم بداند طبق مقررات قانون انجام می‌دهد. بنابراین در حال حاضر منتظر جلسات رسیدگی و صدور حکم هستیم. براساس این گزارش محمدعلی نجفی، شهردار اسبق تهران که از هفتم خردادماه به اتهام قتل همسرش در زندان اوین به سر می‌برد، در دو جلسه به شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی محمدی کشکولی محاکمه شده‌است. سومین جلسه رسیدگی صبح فردا در همین شعبه برگزار خواهد شد. سرپرست دادسرای جنایی تأکید کرد: دادسرا با کمال بی‌طرفی نسبت به همه جوری دلایل اقدام کرده‌است.



قاتلان زندان فشافویه محاکمه شدند

دو مرد زندانی که علیرضا شیرمحمد علی را در زندان تهران یزرگ به قتل رسانده بودند، روز گذشته در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شدند.

این حادثه در ۲۰خردادماه در زندان تهران بزرگ اتفاق افتاد و بررسی‌ها نشان داد که یکی از زندانیان به نام علیرضا شیرمحمدعلی با ضربات شش دانگ دست‌ساز هدف قرار گرفته و جان باخته است. همزمان دو عامل حادثه به نام‌های محمدرضا و حمیدرضا بازداشت شدند. حمیدرضا که قبلاً به اتهام دو فقره قتل بازداشت و به مرگ محکوم شده بود، از زندان جایی شهر به این زندان تبعید شده بود. محمدرضا هم که از مجرمان خطرناک بود، به حبس ابد محکوم و به همراه حمیدرضا به زندان تهران بزرگ تبعید شده بود. با کامل شدن تحقیقات حمیدرضا به اتهام مباشرت و محمدرضا به اتهام معاونت در قتل مجرم شناخته شدند و روز بعد از حادثه، کفرخواست علیه آنها صادر شد و دو روز هم گذشته مقابل هیئت قضایی به ریاست قاضی بابایی و مستشار ملکی محاکمه شدند.

هیئت قضات بعد از شنیدن دفاعیات متهمان وارد شور شد.

قتل مرد سابقه‌دار در پارک شقایق

مرد سابقه‌داری که پلیس در تعقیب او بود در پارک شقایق در جنوب تهران به خاطر اختلاف مالی از سوی چند شرپرو به قتل رسید.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت یک و ۳۰دقیقه ابامداد دیروز، مأموران کلانتری ۱۳۰ نازی‌باد با تماس تلفنی کارمند بیمارستان امیرالمؤمنین از مرگ مشکوک مرد جوانی باخبر و راهی محل شدند. مأموران پلیس در بیمارستان با جسد مرد ۳۵ساله‌ای به نام فرید روبه‌رو شدند که با ضربه چاقو به گردنش به قتل رسیده بود. با اعلام این خبر بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حضور یافتند و به تحقیق پرداختند. نخستین بررسی‌ها نشان داد، ساعتی قبل مردی با اورژانس تماس می‌گیرد و اعلام می‌کند که یکی از دوستانش در پارک شقایق از سوی چند نفر مورد ضرب‌وجرح قرار گرفته است. پس از این، عوامل اورژانس راهی محل می‌شوند و پیکر نیمه‌جان مرد زخمی را به بیمارستان منتقل می‌کنند که در نهایت وی در بیمارستان به کام مرگ می‌رود.

یکی از دوستان مقتول به مأموران گفت: فرید سابقه سرقت داشت و مأموران پلیس هم در تعقیب او بودند، به همین خاطر شب‌ها به خانه‌اش نمی‌رفت و بیشتر در پاتوق معتادان یا پارک شقایق می‌خوابید. ساعت ۳۰ و ۳۰دقیقه شب بود که فرید همراه یکی از دوستانش به سراغم آمدند و از من خواستند همراه آنها به پارک شقایق بروم. فرید گفت از چند ضرور محل پول طلب دارد و می‌خواهد به پاتوق آنها برود و طلبش را بگیرد. من فرید با خودم دوستش به پارک شقایق رفتم. وقتی وارد پارک شدم، سه مرد جوان در حال خوردن مشروب بودند که با دیدن ما به فرید حمله‌ور شدند و او را زیر مشت و لگد خود گرفتند. دوست فرید همان ابتدا از ترس فرار کرد، اما من آنجا ماندم و قصد کمک به فرید را داشتم که آن سه نفر مرا تهدید کردند که پارک بیرون بروم. یکی از آنها گفت این یک تسویه حساب شخصی است و نباید دخالت کنم. از ترس از پارک بیرون رفتم و به پلیس زنگ زدم. دقایقی بعد به محل بازگشتم که دیدم اورژانس در حال انتقال پیکر زخمی فرید به بیمارستان است.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه جسد مقتول به دستور بازپرس ویژه قتل برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد.

مأموران در تلاشند تا عاملان این قتل را شناسایی و بازداشت کنند.

دستگیری خواستگاران سارق

سه مرد جوان که به بهانه خواستگاری وارد خانه‌ای در شهرستان مراغه شده و اقدام به سرقت ۱۰۰ میلیون طلا کرده بودند، بازداشت شدند.

سرهنگ رضا اصلائی‌فر، فرمانده انتظامی مراغه گفت: دو روز قبل بود که مأموران پلیس از مجاری این سرق در یکی از محله‌ها باخبر شدند و در محل حضور یافتند. در اولین بررسی‌ها مشخص شد که سه مرد جوان به بهانه خواستگاری وارد خانه‌ای شدند و بعد از حبس اعضای خانواده در یکی از اتاق‌ها اقدام به سرقت طلا به قیمت ۱۰۰ میلیون تومان کرده و گریخته‌اند. وی افزود: مأموران پلیس در جریان بررسی‌های خود موفق شدند متهمان را شناسایی و آنها را بازداشت و طلاهای سرقتی را کشف کنند.